۷۹۰ هزار دانش آموزی که در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند کجا هستند؟

ثبت‌نام بازماندگان از تحصیل در مدارس خارجی!

گروه اجتماعی

آمار سال‌های قبل نشان می‌دهد نزدیک به ۷ درصد دانش‌آموزان از تحصیل بازمانده‌اند. فقط در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ حدود ۹۳۰ هزار دانش‌آموز ترک تحصیل کرده‌اند، این عدد نسبت به مدت مشابه سال پیش از آن، ۲ درصد افزایش یافته است، جمعیتی که سال به سال بازتولید می‌شود و مشخص نیست که پس از خروج از مدرسه چه سرنوشتی پیدا می‌کنند. برای سال تحصیلی جدید نیز تاکنون آمارهای مختلفی از ۲۰۰ هزار تا ۷۰۰ هزار بازمانده از تحصیل مطرح شده است. معاون سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تنها ۵ روز مانده به آغاز سال تحصیلی جدید از عدم ثبت‌نام ۷۹۰ هزار دانش‌آموز خبر داده بود. بر اساس آخرین آمار اعلامی از سوی محمد علوی تبار، ۸۹۰ هزار دانش‌آموز کتاب‌های درسی خود را سفارش نداده‌اند. از این تعداد، یک صد هزار نفر در مدارس ثبت‌نام کرده اما، کتاب درسی خود را سفارش نداده و ۷۹۰ هزار نفر در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند. اما علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش با تکذیب تمامی این آمارها گفته است: «ثبت‌نام دانش‌آموزان به نسبت سال گذشته در بالاترین درصد خود بوده است. در تاریخ آموزش و پرورش سابقه نداشته است که دانش‌آموزان در این حد ثبت‌نام کرده باشند.» این در حالی است که با گذشت دو هفته از آغاز سال تحصیلی، وزارت آموزش و پرورش آمار شفافی درباره وضعیت ثبت‌نام دانش‌آموزان منتشر نکرده و علی‌رغم انکار این موضوع، کشورمان همچنان گرفتار ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل است.

اشتغال به کار کودک، نبود مدرسه یا دوری از مدرسه، فقر مالی خانواده و بدسرپرستی و بی‌سرپرستی کودک با عواملی مانند طلاق و اعتیاد از عمده عوامل بازماندگی از تحصیل است و علی‌رغم اینکه همزمان با شروع قانون‌گذاری در کشور، پوشش تحصیلی مدنظر سیاست‌گذاران بوده، ولی مقاطع تحصیلی هرچه بالاتر می‌رود، دو شاخص بازماندگی و ترک تحصیل بیشتر افت کرده و پوشش تحصیلی باشدت بیشتری سقوط می‌کند، موضوعی که نگرانی کارشناسان را به دنبال داشته است، به ویژه اینکه این روزها از سرنوشت ۷۹۰ هزار دانش‌آموزی که در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند اطلاعی در دست نیست.

با این حال مطابق نقطه نظر حجت الله بنیادی، پژوهشگر حوزه آموزش، دانش‌آموزان مدارس خانگی و مجازی و بین‌المللی، حتی دانش‌آموزان مدارس مسجدمحور هم به دلیل نداشتن مجوز عدم ثبت اطلاعات آنها در سامانه‌های آموزش و پرورش ممکن است جزو آمار بازماندگان از تحصیل حساب شوند. دلیل آن معین نیست، چون معلوم نکرده‌ایم دلیل عدم ثبت‌نام این تعداد دانش‌آموز در مدارس رسمی چیست؟ بنابراین چنین دانش‌آموزانی به شکل دیگری خارج از سیستم رسمی تحصیل می‌کنند و بخشی از آمار ۷۹۰ هزارنفری که امسال در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند، این افراد هستند. بنیادی در گفت‌وگو با «رسالت» به این مهم نیز اشاره دارد که در قوانین بادرج عباراتی همچون تحصیل اجباری، افزایش دسترسی به فرصت‌های آموزشی و پوشش تحصیلی افراد لازم‌التعلیم، پدیده ترک و بازماندگی از آموزش مذموم دانسته شده اما در صحنه اجرا اقدام جدی‌ای صورت نپذیرفته است.

آقای بنیادی، سالانه آمارهایی در مورد بازماندگی و ترک تحصیل ارائه می‌شود، امسال هم آماری ارائه شده مبنی بر اینکه ۷۹۰ هزار دانش‌آموز در مدارس ثبت‌نام نکرده‌اند، این‌ها کجا هستند، آیا نباید آموزش و پرورش برای ثبت‌نام و بازگشت آن‌ها به چرخه تحصیل اقدامات لازم را انجام دهد؟

همه نهادهایی دولتی؛ از آموزش و پرورش تا بخشداری‌ها، فرمانداری‌ها و استانداری‌ها در مورد تحصیلات اجباری، دارای تکلیف هستند و این یعنی آموزش و پرورش به‌تنهایی در این زمینه وظیفه‌ای ندارد. از طرفی این موضوع را شفاف نکرده‌ایم که علل بازماندگی از تحصیل چیست، آیا عدم دسترسی به مدرسه مطرح است، یا اینکه خانواده‌ها تمایلی ندارند فرزند خود را در مدارس داخلی ثبت‌نام کنند، بنابراین از طریق مدارس مجازی خارج از کشور، خدمات آموزشی را دریافت می‌کنند. حتی ممکن است در تهران هم دانش‌آموزانی باشند که در سیستم دولتی ماتبت نام نکنند. لذا پاسخ این پرسش مهم دقیق اطلاعات و آمار خود را با آموزش و پرورش به اشتراک بگذارد، این اطلاعات به‌صورت شفاف در اختیار مقامات محلی هم قرار گیرد تا مشخص باشد در هر شهر و روستایی چه تعداد بازمانده از تحصیل وجود دارد و ضمن رصد این موضوع باید ریشه‌ها و دلایل آن مورد واکاوی و بررسی قرار بگیرد. بسیار مهم است که نهادهای متولی آمارهای درست را برای تصمیم‌گیری مدیران تولید کنند تا علل بازماندگی به تفکیک دوره تحصیلی مشخص باشد و در قالب یک پژوهش میدانی علت مدرسه نرفتن یا عدم ثبت‌نام دانش‌آموزان از خانواده آن‌ها مورد سوال قرار گیرد. طبیعتا آموزش و پرورش از یک سری دلایل مطلع است، از جمله نداشتن مدرسه در برخی روستاها و مناطق محروم موجب شده خانواده‌ها فرزندان دختر خود را از تحصیل منع کنند، لذا مباحث فرهنگی نیز مطرح است و برای حل معضل بازماندگی از تحصیل، صرفا نباید در آموزش و پرورش به دنبال راه‌حل بود. باید خیلی از بخش‌های دیگر هم ایفای نقش کنند تا بتوان آمارهای صعودی در این بخش را کاهش داد.

من از صحبت شما این برداشت را دارم که اقدام خاصی برای بازگشت دوباره این دانش‌آموزان به چرخه تحصیل انجام نشده، چون دستگاه‌های مختلفی مسئولیت دارند و هیچ یک به وظایف خود در این زمینه عمل نمی‌کنند.

بله کارجدی‌ای صورت نپذیرفته است. ضمن آنکه قانون تعلیمات اجباری مربوط به پیش از انقلاب است و اگرچه این قانون برای دستگاه‌ها تکالیفی را معلوم کرده، اما در چند سال اخیر فقط نام این قانون را می‌شنویم، حتی سند تحول بنیادین وزیر نظام‌های آن به درستی به این موضوع توجه نکرده‌اند. اگرچه گفته شده همه دستگاه‌ها باید مشارکت کنند ولی به‌صورت شفاف مشخص نشده که انتظار ما از فرمانداران به‌عنوان رئوسای شورای آموزش و پرورش شهرستان‌ها و یا دستگاه‌های مختلف چیست. ثبت احوال نیز برای حل بازماندگی از تحصیل باید آمار دقیق را به تفکیک بخش و دهستان ارائه دهد و نهادهای دیگر هم پای کار بیایند. این هماهنگی و هم‌افزایی شکل نگرفته و همه تصور می‌کنند باید آموزش و پرورش را مورد پرسش قرار داد. در حالی که این مجموعه به‌تنهایی پاسخگو نیست و نهادهای حمایتی و حاکمیتی هم در بحث بازماندگی از تحصیل دخیل هستند، چون دلایل متعددی وجود دارد و در مناطق محروم فقر و یا عدم دسترسی به مدرسه‌ای که با فرهنگ خانواده‌ها هماهنگ و همخوان باشد در بازماندگی تحصیلی نقش آفرین است، در شهرهای بزرگ نیز تحصیل مجازی در مدارس خارج از کشور و